

متن پرسش

با عرض سلام خدمت استاد: شما در بحث معرفت النفس والحشر فرمودید روح و اول ما خلق الله، یعنی نفس پیامبر (ص) در عالم امر یک چیز است ولی شخص پیامبر (ص) در عالم ماده که نفسش از مقام روح نازل شده است مثل ما یک انسان است. سؤال بنده این است که طبق قاعده معرفت النفس نفس در مقام نفسیت تعلق به تن دارد چون بالقوه هایی دارد می خواهد به فعلیت برساند و برود. حال آیا نفس پیامبر (ص) هم مثل ما انسانها است که می خواهد بالقوه ها را بالفعل کند تا برود؟ اگر این گونه باشد پس این که می فرمایند مقام پیامبر (ص) عین علم، عین صدق، عین کرم... است این یعنی فعلیت، اما از طرفی پیامبر (ص) هم باید کمال پیدا کند و بنده کمال پیامبر (ص) را در این می بینم که این عین بودن در صفات کمالی را حفظ کند همان فرق دفع و رفع که فرمودید. پس نتیجتاً پیامبر (ص) از اول عمر باید در نمازش دائم در حضور باشد و غفلت در مقامش نیست. آیا این عین علم و عین صدق و کرم و... بودن در نفس پیامبر (ص) از همان آغازی که نفس نازل شد بر بدن شریف پیامبر (ص) بوده؟ یا بعداً این امر اتفاق افتاده؟ و در ثانی نفوس که از مقام روح نازل می شوند اگر تفاوت کند که دوگانگی و کثرت حاصل می شود و در مقام روح کثرت معنا ندارد و مقام وحدت است و نیز فرمودید، جلوه های متفاوت مقام عقل فعال بر اساس شرایط متفاوت است، حال این شرایط منظور عالم ماده است؟ مثلاً بدن پیامبر (ص) شرایط دریافت آن نفس متعال را دارد؟ یا منظورتان از شرایط چیز دیگری است؟ و این که فرمودید مظهر کامل عقل کل در این عالم پیامبر (ص) هستند یعنی چه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که می فرمایید تکامل رسول خدا «صلوات الله عليه وآله» و ائمه «عليهم السلام» تلاش برای باقی ماندن در عصمت است و لذا در عین آن که روح در بدن آنها دمیده شد، نور عصمت هم در کنار آن روح بر آنها متجلی است. در عین آن که هر اندازه در بدن زمینه می دین روح با جامعیت بهتری فراهم شود، بهتر خود را در مقام روح احساس می کند. عقل یک حقیقت متعالی است که مظهرش کامل ترین انسانها باید باشد. موفق باشید